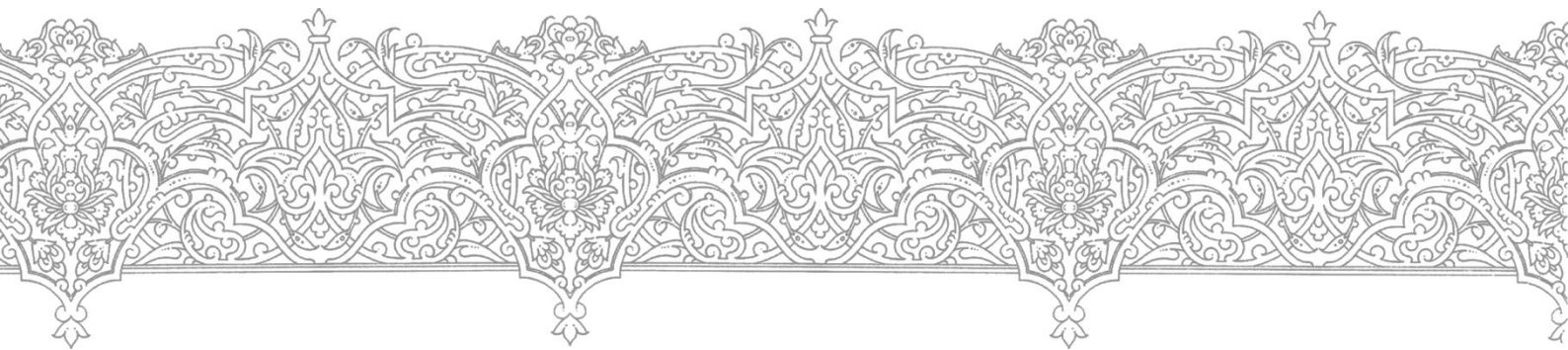




مبانی وحدت اسلامی از نظر علم الاجتماع اسلامی



حجت الاسلام اراکی



الحمد لله رب العالمین و صل الله علی سیدنا و نبینا
محمد و اله الطیبین الطاهرین

قال الله تعالی فی کتابه: اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم: ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم
فاعبدون.

بحثی را که برای طرح در این جلسه در نظر
گرفته ام با توجه به عنوانی که پیشنهاد شد که در
مبانی وحدت اسلامی است یک نگاه کوتاهی
است به وحدت اسلامی از نظر علم الاجتماع
اسلامی. مبانی وحدت اسلامی از نظر علم
الاجتماع اسلامی. هم عنوان را توضیح خواهیم
داد و هم اصل بحث را. و وقتی بحث را به
سرانجام رساندم در مورد راهکارهای علمی وحدت
اسلامی و تجربه ای که در این عرصه بدست
آمده و هم نتایج بدست آمده هم مطالبی را عرض
خواهم کرد. ما می گوئیم علم الاجتماع اسلامی
ما متعقدیم که در منابع دینی مان تبیینی از هویت

جامعه و قوانین حاکم بر جامعه و سنت های حاکم
بر حرکت و تکامل جوامع وجود دارد. ما در قران
کریم و روایات مرویه ی ایمه معصومین (ع)
یک دستگاه علمی تبیین شده ای از قوانین حاکم
بر جوامع و یک تحلیلی از جوامع بشری داریم. که
برخی از قوانین علم الاجتماع اسلامی ما در آثار
بزرگان بطور پراکنده مثل مرحوم علامه ی
طباطبایی و مرحوم مطهری و مرحوم شهید صدر و
ایت الله مصباح مطرح شده. و همچنان جای
بحث فراوان دارد. ما در این جلسه به سه پرسش
پاسخ می دهیم و در پی آن سعی می کنیم که
کلیاتی را پیرامون مبانی وحدت از نظر علم
الاجتماع اسلامی مطرح کنیم .

سه پرسش این است:

۱- ایا جوامع بشری دارای یک وحدت حقیقی
هستند؟ یا نه؟ به زبان دیگر اینکه ایا وحدت
جوامع حقیقی است یا اعتباری؟ (ما به هر حال



مبانی وحدت اسلامی از نظر علم الاجتماع

International Union of Unified Ummah

برای جوامع یک وحدت می بینیم. گفته می شود جامعه ی ایران- جامعه ی اروپا- جامعه ی مسیحی...

این نوع کلمه ها در فرهنگ عامه ی اسلامی مردم در همه ی جوامع وجود دارد که نشان می دهد که نوعی وحدت در جامعه وجود دارد. حالا آیا این وحدت حقیقی است یا اعتباری (فرضی)؟ اگر ما در پاسخ به سوال اول به این نتیجه رسیدیم که وحدت بین جوامع حقیقی است و جوامعی را که حقیقتاً واحدند را شناسایی کنیم پس البته جوامع اعتباری هم داریم.

۲- ملاک وحدت حقیقی یک جامعه چیست؟ به عنوان دیگر ملاک وحدت حقیقی در جامعه اسلامی چه می تواند باشد؟

وحدت حقیقی در جامعه داریم و آن هم ملاک دارد.

۳- وحدت حقیقی یک جامعه ی اسلامی واحد چیست؟ وحدت حقیقی در جوامع داریم و آن هم ملاک دارد حالا ملاک وحدت حقیقی یک جامعه اسلامی چیست؟

به نظرم این بحث اساسی ترین بحث در مبانی یا ملاک وحدت جامعه اسلامی است: بحث جامعه شناسی است اما نه از نوع جامعه شناسی خدا گریزانه و خدا ستیزانه بلکه جامعه شناسی از دیدگاه قران و روایات و مبانی دینی ما. اما پرسش اول که آیا در جوامع وحدت حقیقی می تواند وجود داشته باشد یا خیر؟ آیا وحدت حقیقی در جامعه ای و یا جوامعی داریم یا نه اعتباری است؟ پاسخ پرسش بر مبنای قران کریم این است که ما جوامع واحد حقیقی داریم و همیشه در طول زندگانی بشر داشتیم که جامعه واحد حقیقی داشتیم. به چه دلیل ما مدعی هستیم که از دیدگاه قران ما جامعه ی واحد حقیقی داریم و منظور ما



مبانی وحدت اسلامی از نظر علم الاجتماع

International Union of Unified Ummah

از جامعه ی حقیقتا واحد چیست؟ منظور ما از جامعه ی واحد حقیقی این است که هویت واحد و ان یعنی سرنوشت واحد و سونوشت واحد یعنی هر جامعه ای را ما جامعه ی متحرک می دانیم جامعه سیال است و در حال تغییر است مقوله ای سیال است و این مقوله ی سیال ملاک حرکت همیشه دارد و یک عنصر واحد این حلقات دگرگونی را به هم پیوند می زند و یک موجود واحد در حال تغییر می سازد (مثل جسم ما که سلول های ما در حال تغییرند اما ما یک واحد حقیقی هستیم.

کودکی به نوجوانی و به پیری می رسد ولی اشخاص می گویند این همان انسان در جوانی و کودکی اش است) این عنصر حلقه های پراکنده و متغیر را پیوند می زند و یک موجود به هم پیوسته ی سیال می سازد حالا بحث می کنیم که این وجود فرد ملاک وحدت اش چیست؟ هویت شخص واحد انسانی به چیست؟ ان هویت واحد و

ان رابطه است که حلقه ها را به هم پیوند می زند. حالا این شخص سیال سرنوشتی دارد و در نتیجه ی این سرنوشت نتایجی را همان شخص متحمل می شود. (شخص پیر نتایج در دوران جوانی اش را متحمل می شود. جوامع بشری هم این شخصیت را دارند چون این جامعه جامد و ثابت نیست بلکه متغیر و سیال است) جامعه ی امروز ایرانی با ۲۰ روز پیش تفاوت دارد. عده ای از دنیا رفتند وعده ای وارد این جامعه شدند ولی هویت این جامعه و سرنوشت واحد و مسولیت های این جامعه تفاوتی نکرده. و نتایج مسیولیت های جامعه ی قبل را جامعه ی بعدی برداشت می کند و اثر می پذیرد. و این را در قران کریم ما می بینیم. حالا ملاک این وحدت و نشانه ی وحدت دو چیز است؟ ۱- سرنوشت واحد ۲- مسیولیت های واحد(هر دو در قران است) مثلاً در قران بر روی این معنا تکیه شده که بسیاری از



مسئولیت واحد دارید. عواقب رفتار را همه متحمل می شوند.

در قرآن جالب است که به یهودیان دوران رسول اکرم خطاب می کند که قل قد جائکم.... به بنی اسرائیل دوران رسول اکرم می گوید که انبیای پیشین برای شما معجزه آوردند چرا آنها را کشتید و حالا از من معجزه می خواهید. چون هویت مشترک است پیامبر کشتن پیامبران در چند صد سال پیش را به یهودیان منتسب کرد؟ چون هویت واحد است و جامعه واحد است در مسئولیت شریک است. تو در جامعه الان مسئولی در برابر رفتاری که همین جامعه در ۲۰۰ ۳۰۰ سال پیش انجام داده به شرطی که تو هویت آن جامعه را پذیرفته باشی پس در مسئولیت ها و عواقب شریک هستی. (در آیات و روایات فراوان به این پرداخته است). امیر المومنین (ع) در فرمایشاتشان می فرمودند: از خطبه ی نهج البلاغه ایها الناس

جوامع دارای وحدت اند و مسئولیت های دارند و سرنوشتی واحد بر روی همه ی جوامع حکم فرماست. مثلاً در مورد جامعه فرعون میفرماید: یقدم قومه یوم القیامه. فاقیهم النار فیئس یوم المولود روز قیامت فرعون پیشاپیش قوم خود راه میرود و قوم را داخل جهنم می برد (چه خواهند و چه نخواهند سرنوشت واحد است در قرآن کریم در چند جا گفتگویی را در جهنم بین مستضعفین و مستکبرین دارای سرنوشت واحد ذکر می کند که هویت شان واحد است و یک جامعه ی واحد دارند. که مستضعفان ملامت می کنند مستکبران را . مستضعفان به مستکبران جوامع می گویند که ما چون از شما پیروی می کردیم بیاید پس مسئولیت و نتایج اعمال ما را شما متحمل بشوید. کفر ما را شما باید متحمل شوید) سرنوشت واحد (آنها می گوید به) انا کل فیها) شما هم مثل ما در این مسئولیت شریک هستید مثل ما



مبانی وحدت اسلامی از نظر علم الاجتماع

International Union of Unified Ummah

انما یجمع الناس الرضا و السغت: آنچه جامعه واحد را ایجاد می کند خشنودی و ناخشنودی است. (فقروها فاصبح نادمین)

جامعه هویت دارد و وقتی هویت داشته همه افراد نسبت به رفتار اجتماعی مسئول اند. قوم صالح همه که نرفتند ناقه ی صالح را پی کنند ولی خداوند فرمود: فعقروها مردم پی کردند ناقر را " وحدت در سرنوشت حقیقی یک جامعه است " پس ما تا کنون به این سوال پاسخ دادیم که جوامع وحدت حقیقی دارند دمعنای وحدت حقیقی و وحدت در سرنوشت واحد برای همه ای افراد جامعه است و وحدت در مسئولیت های ناشی از رفتار های اجتماعی). این نسبت به پرسش اول بود که از دیدگاه اسلام جوامع وحدت حقیقی دارند. (این ایه شریفه که این گروه متمسک به اند : ان هذه امه واحده همین معنا را می رساند که در قران سوره ی انبیاء: شده اند یعنی

سلسله ی مومنین از ابتدا تا امروز همه دارای امه واحد هستند. (سوال ایا منجر به جبر اجتماعی نمی شوند؟ جواب: جبر اجتماعی یعنی چه؟ قوانین جبری حاکم است بر جامعه ولی نه به معنای اجبار انسانها بلکه به معنای مختار بودن گزینش راه جبری . بر جهان ما جبر واقع است وقتی که باران می اید بی علت که نیست. علت باران باران است . علت زلزله زلزله است. قواعد مواد تشکیل دهنده یک ساختمان باعث ریزش آن است. اگر در گزینش قواعد حاکم به مواد ساختمانی بی دقت کردی نتیجه ی آن ریزش ساختمان است و بلعکس اگر در گزینش این قواعد جبری دقت به خرج دادی پایداری ساختمان را در پی خواهد داشت. قوانین جبری اجتماع هم " بر " انسان نیست بلکه " از " انسان است . " جبر قبل " الانسان نیست بلکه بعد الانسان است یعنی انسان حاکم بر قوانین جبری



مبانی وحدت اسلامی از نظر علم الاجتماع

International Union of Unified Ummah

گذارد با شخصیت جدید مواجهه می شود. انسان در خانواده شخصیت دارد که از ارزش خانواده نشأت می گیرد و اگر همان ارزش ها در جامعه سریان داشته باشد آن شخصیت مستحکم میشود و اگر ارزشهای جامعه با هویت شخص در تضاد باشد و قصد دگرگونی آن شخصیت باشد به همراهی با آن هویت در جامعه می پردازد و یا با نفاق شخصیت دچار می شود که گاهی شخصیت را بروز می دهد و وقت دیگر شخصیتی متفاوت از شخصیت اول. پس جوان که از خانواده بیرون می آید با این سه حالت برخورد می کنند که یا همان شخصیت را ادامه می دهد و مستحکم می کند و یا اگر همانگ باشد شخصیت اجتماعی او را منقلب می کند و یا به عکس شخصیت فردی او را در مقابل هویت جامعه قرار می دهد که علم الاجتماع اسلامی می گوید که اگر جامعه ضد الهی باشد دو راهکار

است در هر جهتی انسان می تواند این قواعد را به کار گیرد اگر جامعه اینگونه رفتار کنند به عواقبی منجر می شود چه خوب و چه بد. عاقبت خوب و عاقبت بد. پس قوانین " بر " انسان نیست بلکه قوانین " از " انسان برخاسته می شود.

و انسان حاکم بر این قوانین است. پس این قوانین بعد الانسانی هستند و نه قبل انسانی . و محکوم اراده انسان هستند. پرسش دوم: ملاک وحدت حقیقی جوامع چیست؟ چه عنصری جامعه را تبدیل به یک جامعه ی کند؟

در انسان ، روح اش است. کودک، نوجوان شد و پیر شد و آنچه که شخصیت این کودک را واحد نگه می دارد و در دگرگونی ها ثابت است، از آن به هویت، شخصیت، جان و روح و.. تعبیر می شود که موجودی واحد است و ملاک وحدت انسان است. در جوامع هم هویت اجتماعی وجود دارد. و هر انسانی که از خانواده به جامعه پا می



مبانی وحدت اسلامی از نظر علم الاجتماع

International Union of Unified Ummah

و مجتمع می کند رضایتمندی و نا رضایتمندی است.

این همان تولی (خشنودی) و تبری (نا خشنودی) است. سوره ممتحنه این حقیقت زیبا جلوه گر شده که خداوند تاکید فراوان کرده که: یا ایها الذین امنو لا تتخذوا عرو و عدووا اولیا تلقون الیهم ای کسانی که ایمان آوردید نسبت به کافران دوستی نورزید. دوستی با کافران ، هویت دینی شما را ذوب و مضمحل می کند. تا ایه ی چهارم. که می فرماید: قدکان لکم اسوه حسنه فی ابراهیم. انی بر برای شما اسوه ایت برای ابراهیم. چرا سرمشق است؟ چون بنیانگذار جامعه ی واحد اسلامی است. بنیان گذار جامعه اسلامی کنونی ، ابراهیم است، و ما جعلکم

فی الدین حرج مله اییکم ابراهیم و شما هم... او شما را به امت واحد نام نهاد. ابراهیم (ع) پدر اجتماعی است. این جامعه توحیدی ما، پدرش

وجود دارد یا این که در ان جامعه بماند اعتراض کند ولو اعتراض قلبی باشد و صیانت شخصیت درونی باشد و ان لم یستطع فططبه: اگر منکر داشت جامعه ای و موضع نگیرد در هیچ یک از این سه رده یعنی دست (تغییر جامعه) زبان (زمینه سازی تغییر) و یا قلبی (خود را نگهدارد) دچار نفاق می شود و یا راه دوم این است هجرت کند. این نشانه ی این است که جامعه هویت دارد که شکل دهنده ی شخصیت واحد جامعه است. در منابع دینی ما و قران، عشق و نفرت ملاک این هویت واحد بیان شده است. همان چید ی که ما به ان تولی و تبری تعبیر می کنیم. تولی و تبری که عشق و نفرت است ملاک وحدت اجتماعی است.

امام علی می فرماید: ایها الناس انما یجمع الناس الرضا و السخت ان چیز که مردم را گرد می آورد



مبانی وحدت اسلامی از نظر علم الاجتماع

International Union of Unified Ummah

است و همچنین نا خشنودی از درد یک عده ای دیگر. فرمایش رسول خدا:
المومن كالجسد الواحد...

یعنی، افراد یک جامعه احساس درد می کنند از درد کسی و احساس رضایت می کنند از خشنودی کسی. این نشانه ی روح واحد اجتماعی است که در کالبد این پیکر سریان دارد. این پاسخ پرسش دوم بود. اما تکمله ی آن این است که عشق و نفرت خاستگاه دارد و آن هم ارزش های مثبت و منفی است. دوستی در جامعه ی بشری روی هوا به وجود نمی آید. ریشه دارد و آن هم باورهای ارزشی است. بر مبنای آنچه که خوب و بدمی شمارید دوستی و دشمنی می ورزید. این خوب و بدها را قرآن می فرماید که این خوب و بدها در انسان هایی جلوه گر می شود. جامعه رهبران خود را بر این مبنا انتخاب می کنند چون دوستش دارند و او را خوبتر از همه می دانند و اینها

ابراهیم(ع) است آغاز گرش اوست. این جامعه ی واحدی حقیقی اولش ابراهیم است و اسوه ی ماست چرا؟ چون موضع اش را مشخص کرد که ما از خدایان شما ای کافران بی زاریم و بین ما و شما دشمنی ابدی است مادامیکه هویت تان را حفظ کنید بعد در سوره ی مجادله آخرین ایه می رسد یومنون با لیوم اخر یوادون او عشیرتم اول حزب ... اینجا رسماً خداوند جامعه اسلامی واحد را مشخص می کند که در آن حزب است یعنی جامعه ی واحد. و ملاک جامعه ای که حزب الشیطان و با حزب ا.. است را مشخص می کند و آن هم دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمن خدا و رسول. پس ملاک وحدت یک جامعه ی واحد و روح واحد اجتماعی، دوستی و نفرت است. آنها که در دوستی و نفرت شان یک جهت اند، جامعه ی واحد هستند و نشانه اش خوشنودی از خشنودی بخشی از جامعه



مبانی وحدت اسلامی از نظر علم الاجتماع

International Union of Unified Ummah

ایقاع. کسی بگوید من شیعه ی علی ام ولی ارزشهای محبوب او باقد و قواره معاویه مساوی است، فایده ندارد. اینکه می بینید علی(ع) در اعمال سیاسی و اجتماعی اش بر ارزش ها تکیه داردو حتی خلافت را داد ولی از ارزش ها دست بر نداشت این علی(ع) را امام المتقین و امیر المومنین کرد و اینکه محبت علی(ع) ملاک ورود به بهشت می شود. حال با جواب این دو پرسش سراغ سوال سوم می رویم که ملاک وحدت در جامعه ی اسلامی چیست؟ منابع دین برای ایجاد وحدت در جامعه ی اسلامی و واحد حقیقی چه محور وحدتی پیشنهاد می کنند. وقتی به قران مراجعه می کنیم می بینیم " محبت ذی القربی، و مودت ال محمد صلوات ... اجمعین" به عنوان اجر محمدی مطرح شده گفت ان اجرى الا علی الله قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فى القربى. این هم ربطی به شیعه ندارد بحث قرانی عمومی

رهبرای حقیقی جامعه اند یعنی جلوه گر ارزشهای محبوب یک جامعه اند و این یک حقیقت علم الاجتماع است که قانون و قراردادو حلال و حرام نیست. یعنی واقعییتی در جامعه است که در قران ترسیم می کنند. اگر جامعه در دوستی و نفرت اش مشترک باشد و فردی را جلوه گر این ارزشها ببیند که ارزشهای مثبت در او تبلور دارد. و نفی ارزشهای منفی در اوست و لذا رهبران حقیقی جوامع طبق یک نظام تکوینی شناخته می شوند. مثلا علی(ع) اگر رهبر جامعه ای باشد به صرف گفتن زبانی رهبر نمی شود. بلکه براساس یک نظام تکوینی علی(ع) رهبر می شود. به اینکه دید چه کس ارزشهای علی(ع) را دوست دارد و نسبت به ارزشهای علی(ع) از انها متنفر است، او هم متنفر است، پس او می شود شیعه ی علی(ع). پیروان حقیقی طبق یک ساختار حقیقی و تکوینی شکل می گیرند و نه با قرار داد و وضع و انشأ



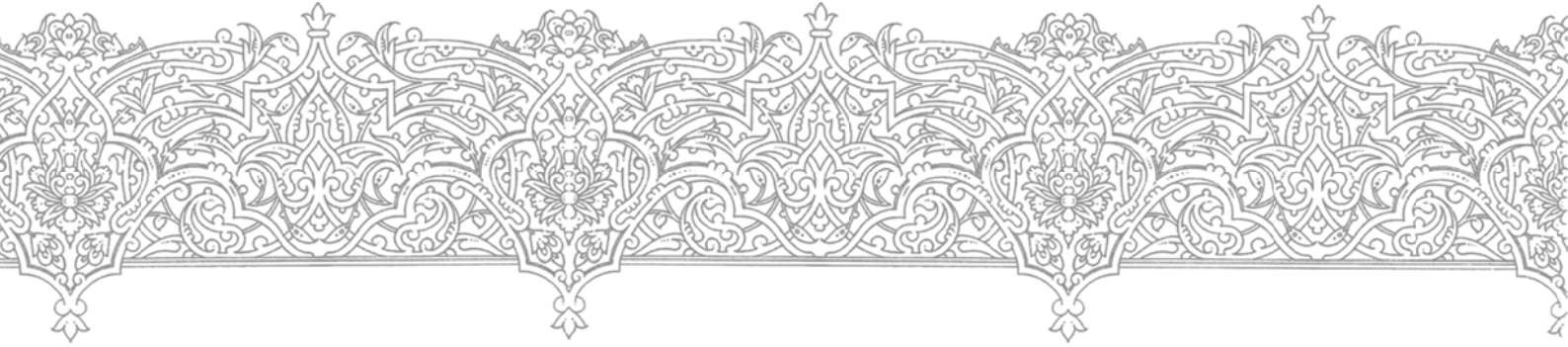
این امت بود. عشق به بهترین ها داشت و نفرت از بدی ها و بدترین ها داشت کنتم خیر بعد تامرون با لمعروف و تنهون عن المنکر. رنج رسول خدا چه تولید کرد؟ خیر امه را. حال باید گفت تداوم این خیرامه پاداش رسول خداست. لذا در ایه دیگر که اجر رسول خدا را بیان میکنند (چون سه نوع آیه داریم ۱. وما اسئلكم علیه من اجرا وما انا من المتكلفين، پاداشی نمیخواهم ۲. در سوره ی فرقان: وما اسئلكم علیه من اجرا الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا. من از شما اجر نمیخواهم مگر اینکه راه خدا را در پیش بگیرید. یعنی راه من قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة وعلى من اتبعن. این جامعه اسلامی و این راه من است. آیه سوم: قل لا اسئلكم علیه من اجر الا الموده فی القربى. ۴. وما سئلتكم من اجر فهو لكم. در قرآن که تضاد نیست، هماهنگی میان آیات چه میشود؟ به تصریح خود قرآن است. بله اینها

است مخصوص به یک گروه نیست (بحث کلامی یک گروهی نیست) نص صریح قرآن است موده ذی القربى، محبت ال محمد اجر رسالت بیان شده. اجر دو گونه است. یک اجر و یا پاداش قرار دادی، ساعتی و روزی و ماهی اینقدر به کسی حقوق می دهی بابت کاری. حال اجر و مزد حقیقی چیست؟ کشاورز زحمت می کشد و بعد از نگهداری و ابیاری دانه موسم برداشت می رسد و مزد حقیقی اش را برداشت می کند، این قرارداد ی نیست. مزد حقیقی است. در قرآن کریم اگر مودت ذی القربى بعنوان اجر رسالت مطرح شده به این دلیل است که پاداش حقیقی زحمات رسول خدا و نتایج رنج رسول خدا را می فرماید: کنتم خیر امه اخرجت الناس تامرون با لمعروف و تنهون عن منکر عجیب نتیجه ای داشته است. کار به نتایج اخروی نداریم. نتایج زحمات رسول خدا چه بود؟ بنیان گذار خیر امه شد چرا خیرامه بود. چون پیوند



واقعا اگر جوامع اسلامی بخواهند متحد شوند و می توانند وحدت حقیقی بین خودشان ایجاد کنند ان محبت ال محمد(ص) است و محبت ارزشهای بر خاسته شده از انان است و این را شیعه نمی گوید و هزاران روایت از پیامبر (ص) است که در منابع شیعه و سنی موجود است و بیان شده است. امیدوارم که خداوند متعال به ما توفیق دهد که بتوانیم معارف اسلامی قران کریم و سنت پیامبر اکرم و معصومین(ص) را خوب بشناسیم و فرا بگیریم و عمل کنیم به انها و از انها پیروی کنیم، واسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

همه ی این اجراها برای خود شما مردم است به من نفعی نمی رسد. حالا این چهار ایه را کنار هم بگذارید. با توجه به توضیحات حال به این می رسیم که موده القربی نتیجه ی رنج رسول خدا را بیمه می کند و جامعه ی اسلامی را تداوم می دهد که خیر امه للناس است تا این تلاش تداوم پیدا کند تا برسد به ان جامعه ی جهانی و این اجر، اجر حقیقی است. بنابراین در قران کریم ، معیار، عشق و نفرت ال محمد (ص) معرفی شده. جامعه ی اسلامی که ملاک وحدتش عشق ورزیدن به آنچه الهی است و نفرت از آنچه ضد الهی است می باشد آنچه ملاک عینی این عشق و نفرت معرفی شده است ال محمد است و معنی ان این است که ال محمد جلوه گاه ارزشهای برتری هستند که عشق و نفرت دینی و اسلامی ما از ان برخاسته است و بر ان متکی است و این محور حقیقی جامعه اسلامی است. و



المجمع الدولي للأمم المتحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده

واحد فرهنگى و آموزش

اتحاديه بين المللى امت واحده

٠٢١-٦٦٤٨٤٦٧٥

www.unified-ummah.com